

با پول عاقلانه رفتار کنید



نویسنده

مالا کومار

ترجمہ :

دکتر یوسف قلی پور

زہرا مین جائی - محمد صالحی - پیمان فروتن

تقدیم به همه فرزندان ایران زمین

با تشکر از

دانشجویان دانشگاه آزاد واحد نجف آباد

و

سرکار خانم لیلا مظاهری زاده بابت بازخوانی و ویرایش کتاب

رویای ثروتمند شدن بیاید با این داستان در مورد یک شیرفروش شروع کنیم. روزی، در راه فروش شیر، او شروع به رویاپردازی کرد:



با فروش این کوزه شیر پول به دست می‌آورم.



با آن چند مرغ می‌خرم. آنها تخم می‌گذارند.



تخم مرغ ها را می‌فروشم و یک بز می‌خرم. شیر بز را می‌فروشم



و پول زیادی به دست می آورم. با آن یک گاو می خرم



و به زودی پول زیادی خواهیم داشت!!!
فکر می کنید بعد از آن چه اتفاقی افتاد؟

یک ضرب المثل قدیمی می گوید: احمق و پولش خیلی زود از هم جدا می شوند.

وقتی پول به دست آوردیم، باید عاقلانه از آن استفاده کنیم.

می توانیم آن را در بانک پس انداز کنیم، یا از آن برای شروع یک کار برای کسب درآمد بیشتر استفاده کنیم، یا در شرکت هایی سرمایه گذاری کنیم که درآمد منظمی به ما می دهند.

ما باید بدانیم که چگونه با داشته هایمان زندگی کنیم و در عین حال رویاهایمان را به واقعیت تبدیل کنیم.

زمین به اندازه کافی برای برآوردن نیازهای هر انسانی فراهم می‌کند،
اما نه برای طمع هر انسانی. "مهاتما گاندی"

من واقعاً به یک چوب بیسبال دیگر نیاز دارم؟

مردم کار می‌کنند و پول در می‌آورند تا به نیازها و همچنین خواسته‌هایشان رسیدگی کنند. تفاوت بین نیاز و خواسته چیست؟ اگر امکانات اتوبوس خوبی در شهر شما وجود نداشته باشد، برای رفتن به مدرسه و برگشتن به دوچرخه نیاز دارید. شما رویای یک چوب بیسبال جدید را در سر دارید - این یک خواسته است، نه یک نیاز.

ما برای زنده ماندن به غذای سالم نیاز داریم. ما غذایی می‌خواهیم که نه تنها سالم، بلکه خوشمزه و غنی باشد.

من به بستنی
نیاز دارم.

نه، شما بستنی
می‌خواهید.

من به ۵ مداد
و ۲ خودکار
نیاز دارم.

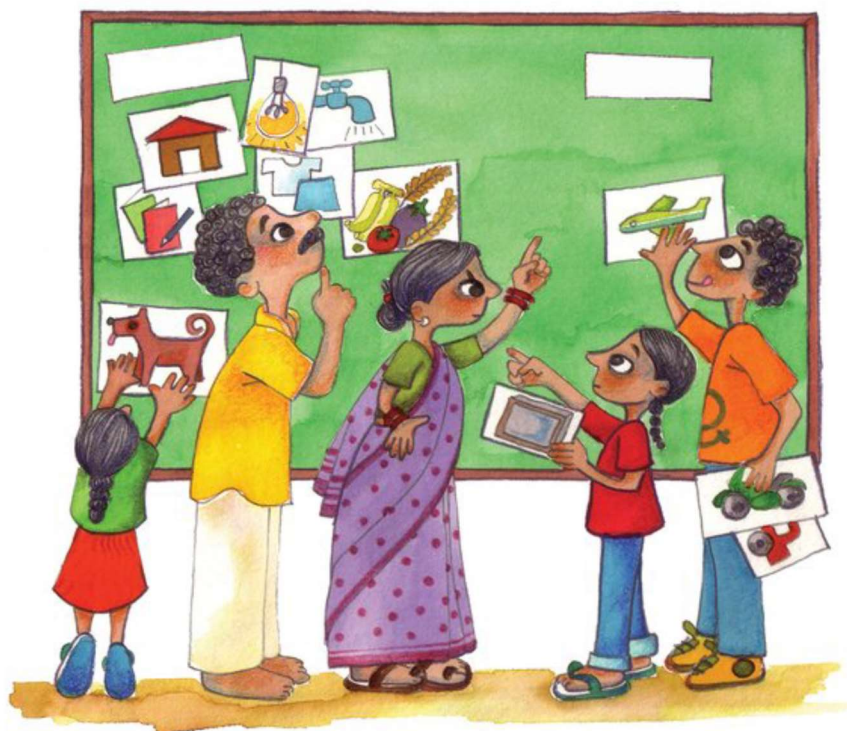
شما به یک مداد
نیاز دارید، اما
بیشتر می‌خواهید!

من یک جفت
دمپایی جدید نیاز
دارم..

بله، شما یک
جفت جدید نیاز
دارید.

خانواده‌ها بسته به نیازهای هر فرد در خانواده، پول خرج می‌کنند. غذای مناسب، آموزش، مسکن، امنیت و پس‌انداز برای آینده، همه نیاز هستند.

اگر پس از خرج کردن برای نیازها، پول کافی باقی بماند، خانواده‌ها به فکر خرج کردن برای خواسته‌ها می‌افتند. از مادران بپرسید که آیا به همین دلیل اجازه نداده چیزی را که می‌خواستید بخرید؟ از او بپرسید که در عوض با پول چه کرده است.



ارزش کار

کار = پول؟

همه کارها با پول جبران نمی‌شوند. همه کارها نیازی به پرداخت پول ندارند. می‌توانید برای چنین موقعیت‌هایی مثال بزنید؟

من آشپزی می‌کنم، نظافت می‌کنم، خرید می‌کنم، تدریس می‌کنم، پول را مدیریت می‌کنم و با عشق پولم را پس می‌گیرم.

اما اگر مجبور باشیم برای همه اینها پول بپردازیم، روی هم رفته خیلی زیاد می‌شود!



چه پاداش فوق‌العاده‌ای برای نجات این حیوان.



قیمت آفتاب چقدر است؟ ما آن را رایگان به دست می‌آوریم!



پیگیری هزینه‌ها

اکثر مردم با کار کردن برای خود یا برای شخص دیگری درآمد کسب می‌کنند. یک خانواده با توجه به درآمد، نیازها و هزینه‌هایی که باید انجام دهد، خرج و پس‌انداز می‌کند.

بودجه یک برنامه عملی برای برنامه ریزی هزینه است. اینها صحنه‌هایی هستند که ممکن است در اکثر خانواده‌ها رخ دهند:



پولی برای پس‌انداز یا
قرض دادن به دیگران
باقی نمانده است.

رسیدگی به هرگونه هزینه
پیش‌بینی نشده، وضعیت را
برای این خانواده دشوار
خواهد کرد. چرا؟

با پس انداز مان
می توانیم سال آینده به
تعطیلات برویم.



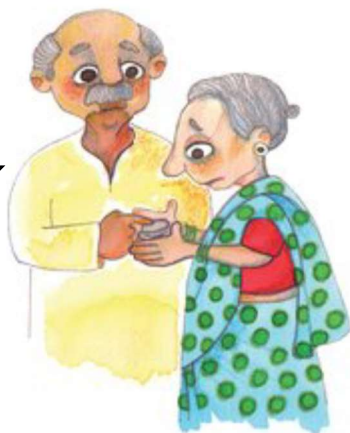
درآمد، از هزینه مهم تر است.

پول اضافی باقی مانده پس از انجام تمام هزینه ها را می توان به
روش های مختلفی پس انداز کرد یا در طرح هایی سرمایه گذاری کرد
که باعث افزایش درآمد مان می شوند.

این وضعیتی است که همه ما به دنبال آن هستیم.

هرچه درآمد مان بیشتر باشد، می توانیم بیشتر برای نیازها هزینه کنیم
و برای آینده پس انداز کنیم.

به نظر می‌رسد که این ماه
مجبور به قرض گرفتن
مقداری پول خواهیم شد.



درآمد، کمتر از هزینه است.

این وضعیت خوبی برای یک خانواده نیست. این بدان معناست که خانواده باید برای تأمین هزینه‌ها قرض بگیرد.

خانواده باید هزینه‌ها را کاهش دهد تا اطمینان یابد درآمد به هزینه نزدیک‌تر است. در موارد شدید، اگر وام نگیرند، مجبور می‌شوند برخی از دارایی‌های خود مانند دوچرخه یا تلویزیون را بفروشند تا پول به دست آورند.

نیکو کاری عملی سخاوتمندانه نسبت به بشریت است.

نیکو کاران ثروتمند به ساخت مدارس، بیمارستان‌ها، ورزشگاه‌ها

یا ایجاد بنیادهایی برای رفاه مردم کمک می‌کنند.

بودجه خانواده

هزینه‌ها انواع مختلفی دارند - کوتاه‌مدت و بلندمدت.

خانواده باید برای هزینه‌های روزانه و ماهانه و سالانه پول نگه دارد. بودجه خانواده، برنامه‌ای برای پول خانواده شماست.

یکی از راه‌های پس‌انداز کافی برای اهداف بلندمدت مانند ساخت خانه، یا داشتن مزرعه شخصی یا راه‌اندازی شرکت، کاهش هزینه‌های کوتاه‌مدت است.

دانش‌آموزان می‌توانند با هدر دادن کمتر کاغذ یادداشت، مراقبت از وسایل خود مانند خودکار، کتاب، بطری آب و عینک، به کاهش هزینه‌های کوتاه‌مدت خانواده خود کمک کنند..

با این صفحات استفاده
نشده می‌توانم یک
دفترچه یادداشت جدید
برای خودم درست کنم.



اگر هر هفته ۵ روپیه
پس‌انداز کنم، به
زودی می‌توانم یک
کیف مدرسه بخرم.



بودجه به عنوان راهنمایی برای کمک به خانواده‌ها در مدیریت درآمدشان به بهترین شکل ممکن تهیه می‌شود.

اما گاهی اوقات، وقتی اتفاقات غیرمنتظره‌ای رخ می‌دهد، مثلاً وقتی قیمت‌ها ناگهان افزایش می‌یابند یا وقتی درآمد کاهش می‌یابد، راه‌هایی وجود دارد که مردم هنوز می‌توانند در چارچوب بودجه زندگی کنند. این موارد شامل اجاره کردن به جای خرید آنها، یا خرید اقساطی و یا گرفتن یارانه‌های دولتی می‌شود.

بیا بید برای انجام این کار در
سال آینده برنامه‌ریزی و
پس‌انداز کنیم.



پرداخت اقساطی آسان تر است

بانک‌ها و سایر موسسات مالی با دادن وام به مردم به آنها کمک می‌کنند تا رویاهای بلندمدت خود را به واقعیت تبدیل کنند.

آنها همچنین به مردم این فرصت را می‌دهند که ابتدا خرید کنند و بعداً هزینه آن را بپردازند.

به عنوان مثال، مردم می‌توانند با پرداخت مبلغ کمی در ابتدا یک کامپیوتر بخرند. بقیه پرداخت را می‌توان در بخش‌های مساوی، به نام اقساط، انجام داد.



اگر می‌خواهید کامپیوتری به ارزش ۲۰,۰۰۰ روپیه بخرید، آیا بهتر است هر ماه ۲۰۰۰ روپیه پس‌انداز کنید و پس از ۱۰ ماه، کامپیوتر را بخرید؟

یا باید همین الان کامپیوتر را به صورت اقساطی و با قیمتی کمی بالاتر بخرید؟ نظر شما چیست؟

کمک به کسانی که به خودشان کمک می‌کنند

در بسیاری از کشورها دولت و دیگر موسسات رفاه اجتماعی به افرادی که سخت کوشی خود را ثابت کرده انداما هنوز نیاز به پول بیشتری دارند کمک می‌کند.

به عنوان مثال، اگر دانش‌آموزی در آزمون ورودی نتایج عالی کسب کند اما به دلیل شهریه بالای دانشگاه نمی‌تواند تحصیلات عالی را ادامه دهد، می‌تواند برای بورسیه تحصیلی درخواست دهد.



گاهی اوقات، دولت بخشی از هزینه چیزهایی را که مردم مجبور به استفاده از آنها هستند، اما قادر به پرداخت کامل آنها نیستند، پرداخت می‌کند. کشاورزان فقیر ممکن است بسیار سخت کار کنند، اما ممکن است نتوانند وام‌های خود را بازپرداخت کنند یا کود بخرند - دولت کود را با قیمت پایین‌تری به آنها می‌دهد. به این یارانه می‌گویند.

پولی که جمع آوری شده در قالب مالیات از همه ی ما برای کمک به پرداخت یارانه ها توسط دولت ها استفاده می شود.

پول توجیی

بعضی از خانواده ها مبلغ کمی پول هر ماه به فرزندانشان می دهند تا هر طور که می خواهند از آن استفاده کنند .

بعضی از بچه ها همان روزی که پول توجیی شان را می گیرند، تمام آن را مصرف می کنند، در حالی که بعضی دیگر هر بار کمی از آن را خرج می کنند. بعضی از بچه ها تا جایی که ممکن است آن را پس انداز می کنند.

در طول جشن ها و تعطیلات، بچه ها هدایای پولی کوچکی از اقوام دریافت می کنند. در چنین مواقعی، جیبشان پر پول تر می شود!

اگر شما یادبگیرید چگونه پول توجیی را مدیریت کنید ممکن است با بزرگ شدن یاد بگیرید که پول خود را نیز مدیریت کنید..



دکتر سلیم علی، که از روی علاقه
(مرد پرنده ایی) «پرنده شناس
هند» نامیده می شود، در کتاب
معروفش «سقوط گنجشک»
درباره کارهایی که با پول
توجیی اش انجام می داد صحبت
می کند. او با پول توجیی ۲ روپیه
در ماه، یک جفت کبک
خاکستری یا بلدرچین بوته ای یا
هر پرنده جدید دیگری را در
بازار می خرید. او به یکی از
بزرگترین پرنده شناسان جهان
تبدیل شد

چه کاری می توانید
با پول تو جیی انجام
بدهید ؟



آیا ارزش پول تغییر می کند؟ بله

دکتر سلیم علی (۱۸۹۶-۱۹۸۷) قبلاً ۲ روپیه پول توجیبی می گرفت که می شود ۲۴ روپیه در سال اگر در سال ۱۹۰۵ او تصمیم داشت که پولش را ذخیره کند و ۲۴ روپیه را به عنوان سپرده ثابت در بانک نگه می داشت وقتی در سن ۹۱ سالگی فوت کرد بیش از ۱۴۰۰ روپیه می شد .

اما اگر این چنین ذخیره کرده (پس انداز) بود آیا پرنده شناس شده بود ؟

اینو امتحان کن :فرض کن وقتی که ۱۲ سالت است شروع به پس انداز ۱۰ روپیه در ماه می کنی از یک حسابدار بپرس برای تولد ۱۸ سالگیت چقدر خواهی داشت ؟



پول پس انداز شده اگر جایی دفن شود، برای هیچکس فایده ای ندارد.

پول باید به خوبی استفاده شود، زیرا ارزش پول دائماً در حال تغییر است.

با پول پس انداز شده چه کار می‌کنید؟

بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و شرکت‌های مدیریت مالی هستند که به ما کمک کنند تا از پول خود بهترین شیوه استفاده کنیم.

آنها همچنین به ما در راه‌اندازی و مدیریت مشاغل کمک می‌کنند. شما هم می‌توانید یک تاجر باشید!

تابستان گذشته، داداجی به هیرا و برادرش موتی به خاطر عملکرد خوبشان در امتحانات نهایی‌شان، هر کدام ۴۰ روپیه هدیه داده بود. هیرا گفت: «هوا خیلی گرم است! مطمئنم همه دوستانمان از نوشیدن آبلیمو خوشحال می‌شوند.»

مادرشان که از کار کردن خیلی خسته بود، گفت: «من که قرار نیست برای همه دوستان آبلیمو درست کنم!»

هیرا و موتی به سمت بازار راه افتادند. در راه با جواهر آشنا شدند. وقتی در مورد برنامه‌شان برای راه‌اندازی یک دکه شربت آبلیموفروشی به او گفتند، او هم علاقه‌مند شد.

او گفت: «می‌توانی از پول من هم استفاده کنی.» و ۲۰ روپیه به او داد. آنها به بازار رفتند و مواد لازم برای راه‌اندازی دکه شربت آبلیمو فروشی را گرفتند.



آنها مقدار زیادی آبلیمو درست کردند و آن را در ۱۰۰ فنجان ریختند. از آنجایی که هیرا ۴۰ روپیه از ۱۰۰ روپیه را پرداخت کرده بود، ۴۰ «سهم» در دکه داشت. به همین ترتیب، موتی ۴۰ سهم و جواهر هم ۲۰ سهم داشت. سپس آنها بنری نصب کردند که روی آن نوشته شده بود: شربت آبلیمو تازه فقط ۱.۲۵ روپیه



آنها توانستند با این کار هم خوش بگذرانند و هم سود بدست بیاورند. آنها با این کار روش تجارت کردن و سود بدست آوردن را یاد گرفتند.

وقتی افراد تاجر شرکت‌های جدیدی راه‌اندازی می‌کنند، پول سرمایه‌گذاری می‌کنند.

آنها همچنین دیگران را دعوت می‌کنند تا برای راه‌اندازی شرکت، پول سرمایه‌گذاری کنند.

سهام نیز راهی برای سرمایه‌گذاری پول است.

یک شرکت با شریک کردن عموم مردم در رشد خود، به آنها اجازه می‌دهد تا در آن شرکت کنند. چگونه؟

با تقسیم مالکیت خود به واحدهایی به نام سهام. فرض کنید یک شرکت مالکیت خود را به ۱۰۰۰ سهم تقسیم کند.



صاحب اصلی که معمولاً بیشترین سهام را دارد، مؤسس شرکت نامیده می‌شود. اگر من ۱۰ سهم بخرم، یک سهامدار می‌شوم. (یعنی من مالک ۱۰ بخش از ۱۰۰۰ بخش شرکت هستم).

وقتی شرکت سود می‌کند، ارزش سهام بالا می‌رود. وقتی شرکت ضرر می‌کند، ارزش سهام پایین می‌آید. ما به پولمان اجازه می‌دهیم رشد کند. اما به یاد داشته باش، اگر شرکت ضرر کند، ما نیز ممکن است پولمان را از دست بدهیم.

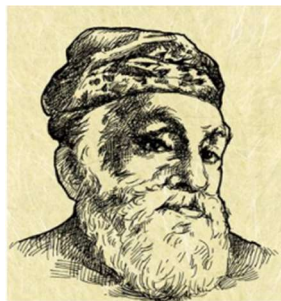


پول و زندگی خوب برای همه

پدر صنعت هند - جی.ان. تاتا

این داستان پسری است که می‌توانست مانند پدر بزرگ و بسیاری دیگر از افراد خانواده‌اش یک روحانی شود. اما در عوض، جمشیدجی نوسروانجی تاتا به بزرگ‌ترین صنعتگر مورد احترام هند تبدیل شد و او را پدر صنعت هند می‌نامند. رویاهایش، صداقتش، استفاده هوشمندانه‌اش از پول، عشقش به میهن و مردمش، به او کمک کرد تا شرکت‌های بسیاری را بنیان بگذارد که امروزه با نام گروه شرکت‌های تاتا شناخته می‌شوند.

پدر جمشیدجی تاتا کسب‌وکاری در بمبئی آغاز کرد و جمشیدجی در سن ۱۴ سالگی به او در بمبئی پیوست. جی.ان. تاتا در کالج الفینستون چنان خوب درس خواند که هزینه‌های تحصیلی‌اش توسط کالج بازپرداخت شد.



او در سن ۲۹ سالگی شرکت تجاری خودش را راه‌اندازی کرد. می‌خواست به اندازه کافی پول به‌دست آورد تا بتواند از آن در برنامه‌های اجتماعی استفاده کند که به کشور و مردمش کمک کند.

از جمله بهترین مؤسساتی که جی.ان. تاتا پایه‌گذاری کرد می‌توان به اولین شرکت فولاد هند (تاتا استیل)، اولین شرکت بزرگ برق هند (تاتا هیدروالکتریک) و اولین مؤسسه آموزش فنی (مؤسسه علمی تاتا در بنگلور) اشاره کرد.

او ثروتی را که به‌دست آورد، برای رفاه دانش‌آموزان بااستعداد و مردم سخت‌کوش به کار برد.

این هندی بزرگ، شهری به نام خودش دارد به نام جمشیدپور.



پول من چقدر امن است؟

تیم چاناکیا یک بازیکن مهم دارد به نام شرکت بیمه.

اما بیاید اول ببینیم بیمه به چه معناست.

بیمه یعنی پرداخت مبلغی کم اما منظم، تا خودمان را در برابر یک هزینه بزرگ غیرقابل پیش‌بینی محافظت کنیم. این پرداخت منظم حق بیمه نامیده می‌شود. و آن اتفاق بزرگ غیرمنتظره ریسک نام دارد.

وقتی کسی در روستای خود یک مرکز کامپیوتر راه می‌اندازد، ممکن است یک بیمه‌نامه از یک شرکت بگیرد. بیمه‌نامه مشخص می‌کند که چقدر باید بپردازد، برای چه مدت، و در صورت وقوع حادثه و ارائه درخواست غرامت، چه چیزی دریافت خواهد کرد.

اگر در مرکز کامپیوتر دزدی یا حادثه‌ای رخ دهد، صاحب مرکز ضرر را به شرکت بیمه اطلاع می‌دهد، بسته به میزان خسارت، درخواست غرامت می‌کند، و شرکت بیمه بر اساس بررسی خود مبلغی به او پرداخت می‌کند.

اما اگر مرکز کامپیوتر هیچ‌وقت آتش نگیرد یا دزدی در آن اتفاق نیفتد، چه می‌شود؟

حق بیمه، قیمتی است که ما به شرکت‌های بیمه می‌پردازیم تا بتوانیم از کسب‌وکار یا پس‌اندازمان مراقبت کنیم، بدون اینکه از اتفاق‌های غیرقابل پیش‌بینی زندگی بترسیم.

این همان پولی است که به شرکت‌های بیمه کمک می‌کند تا به دیگران که به کمک مالی نیاز دارند، یاری برسانند.



شرکت‌های بیمه، ریسک‌هایی مانند سلامت، زندگی، دزدی و بلایای طبیعی را پوشش می‌دهند. کشاورزان نیز برای آب‌وهوای غیرقابل پیش‌بینی حق بیمه پرداخت می‌کنند.

برای مثال، گاهی باران‌های نابهنگام می‌تواند محصول برنج، انبه یا گوجه‌فرنگی را از بین ببرد.

در چنین مواردی، کشاورز از شرکت بیمه خود پول دریافت می‌کند تا ضرر خود را جبران کند.

اما به یاد داشته باش، فقط به این خاطر که بیمه شده‌ایم، به این معنی نیست که می‌توانیم بی‌دقتی کنیم.

برای مثال، اگر کسی بیمه حوادث دارد، نمی‌تواند وسط خیابان از جلوی یک اتوبوس بدود. اول خودش آسیب می‌بیند، بعد ممکن است پولی از شرکت بیمه بگیرد.



حریص یا خردمند؟

اگر کودکی حلوا دوست دارد و یکی بخرد تا بخورد، این یک نیاز است.

اگر پنج حلوا بخرد تا در طول روز آن‌ها را بخورد، این حرص است. اگر مادرش آرد، روغن و شکر بخرد تا ۵۰ حلوا درست کند و آن‌ها را در زمان‌های مختلف طی یک ماه استفاده کند، او خردمندانه عمل کرده، نه حریصانه. چرا؟

حرص، یک حس «همه‌چیز را همین الان می‌خواهم» است که برای فرد خوب نیست.

اما فکر کردن با دقت درباره اینکه چطور پول را در چارچوب بودجه مدیریت کنیم و به هزینه‌های حال و نیازهای آینده به یک اندازه اهمیت بدهیم، نشانه خردمندی است.

پس‌انداز پول، طلا یا چیزهای باارزش دیگر برای آینده، حرص نیست؛ بلکه راهی خردمندانه برای آماده شدن در برابر همه اتفاقات خوب و بدی است که ممکن است در زندگی رخ بدهد.

ریسک کن، پاداش ببر!

در افسانه‌هایی که می‌خوانیم، یک شاهزاده شجاع از کوه‌ها بالا می‌رود و با اژدها می‌جنگد تا یک پادشاهی را به دست آورد.

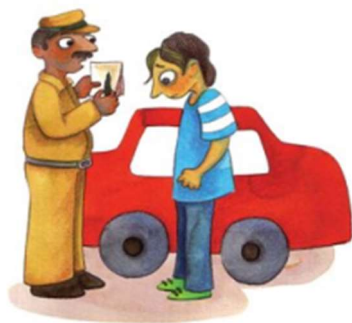
شاهزاده این چالش را می‌پذیرد، حتی با اینکه از خطرات آن آگاه است. اما او مطمئن است که می‌تواند پاداش آن یعنی پادشاهی را به دست آورد.

تاجران و صاحبان کسب‌وکار نیز هنگام سرمایه‌گذاری پولشان اغلب ریسک می‌کنند.

خانواده شما ممکن است یک قطعه زمین بخرد، با این فکر که چند سال بعد وقتی قیمت بالا رفت، آن را بفروشد. معمولاً قیمت زمین بالا می‌رود، اما مواقعی هم بوده که قیمت‌ها پایین آمده‌اند. فروش زمین در چنین مواقعی باعث ضرر می‌شود.

هرچه ریسک بیشتر باشد، شانس بازدهی بهتر هم بیشتر است. اما عکس آن نیز ممکن است باشد. بهترین کار این است که پس از فکر کردن کامل، تصمیم مالی بگیریم.





ریسک کردن در مسائل مالی غیرقانونی نیست. اما پول درآوردن از راه انجام کارهایی که برخلاف قوانین کشور است، غیرقانونی محسوب می‌شود.

اگر یک فروشنده بیشتر از مبلغ چاپ‌شده روی جنس قیمت بگیرد، در حال کسب درآمد غیرقانونی است. اگر قیمت مصرف‌کننده روی کالا ۲۰ روپیه درج شده باشد، فروشنده فقط باید ۲۰ روپیه از شما بگیرد.

وقتی یک فروشنده یک پنکه سقفی، زودپز یا تلفن همراه را به شما کمتر از قیمت درج‌شده می‌فروشد اما فاکتور نمی‌دهد، در حال کسب درآمد غیرقانونی است (چون او می‌خواهد مالیات ندهد).

دفترچه یادداشت پول

این یک عادت خوب است که یادداشت کنی چه چیزی به دست می‌آوری (درآمد)، چه چیزی خرج می‌کنی (هزینه)، چه چیزی پس‌انداز می‌کنی (آیا این یک دارایی است؟)، چه چیزی به دیگران داده‌ای که انتظار داری برگردد (قرض) و چه چیزی برای همیشه بخشیده‌ای (هدیه).

انجام این کار هر روز، یا دست‌کم هر هفته، به تو کمک می‌کند پولت را خوب مدیریت کنی. کارشناسان دریافته‌اند کسانی که تصمیم‌های مالی خود را در یک دفترچه یادداشت می‌کنند، سعی می‌کنند بخشی از درآمد خود را کنار بگذارند تا نیازهای مالی آینده خود را تأمین کنند.

اگر یک خانواده کمی وقت بگذارد و برنامه‌ریزی کند که چطور می‌تواند پول به‌دست آورد، پس‌انداز کند و سرمایه‌گذاری نماید، آن خانواده می‌تواند از نظر مالی امن باشد.

اگر زمان بیشتری صرف کنی تا قوانین پول را بفهمی، شاید پول بیشتری برای خرج کردن داشته باشی!



پایان

موفق و سربلند باشید